

پیش‌خواب

به بهانه نشر اثر تاریخی «چالش مشروطیت در رژیم شاه و قتل نخست‌وزیران»

اعدام ۲ نخست‌وزیر

■ **سیروس فیضی**



هدف اصلی از انجام پژوهشی که از آن سخن می‌رود، بررسی علل و پیامدهای ترور حاجعلی رزم‌آرا و حسنعلی منصور، دو تن از نخست‌وزیران دوره پهلوی است که در تاریخ سیاسی معاصر ایران، از مهم‌ترین مباحث و در عین حال، جنجالی‌ترین و بحث‌انگیزترین دوره‌های سیاسی کشور محسوب می‌شود. رزم‌آرا در سال ۱۳۲۹ و منصور در سال‌های ۲–۱۳۴۲ نخست‌وزیر بودند که رزم‌آرا در اسفند همان سال و منصور در بهمن ۱۳۴۳ ترور شدند. این بررسی در قالب شناخت دو متغیر محوری این پژوهش، یعنی «کاهش شدید مشروطیت رژیم» و «ادیکالیزه شدن گروه‌های سیاسی-مذهبی» انجام می‌پذیرد. هر چند تفاوت‌های بسیاری به لحاظ شرایط سیاسی حاکم بر دوران نخست‌وزیری هر یک از آنها وجود داشته، ولی این دو متغیر به شکلی محسوس مطرح هستند. تعیین این امر که کدام یک از این دو متغیر، نقش اصلی و مهم‌تری را در این حوادث داشته‌اند، در کنار دیگر مباحث، هدف اصلی پژوهش را تشکیل می‌دهد.

در دوران رزم‌آرا، شرایط سیاسی خاصی بر کشور حکمفرما بود. ویژگی‌های اصلی این دوره عبارت‌ند از: کم‌ترجیگی و ضعف شخصی شاه به لحاظ جوانی و سال‌های اولیه سلطنتش، فعالیت گسترده سفارتخانه‌های خارجی و عوامل‌شان در عرصه سیاست ایران که به دنبال یک دوره حضورشان در اشغال کشور شکل گرفته بود و بالاخره، آزادی نسبی که به دنبال خلع رضاشاه فراهم آمده و فرصت بسیار خوبی را برای فعالیت سیاسی گروه‌های مخالف رژیم پدید آورده بود. چالش‌های مشروعیتی در این دوره، به دنبال مبارزات مربوط به ملی شدن صنعت نفت صورت گرفت و رادیکالیزه شدن گروه‌های سیاسی- مذهبی نیز در چارچوب توانایی آنها برای انجام اقدامات مسلحانه

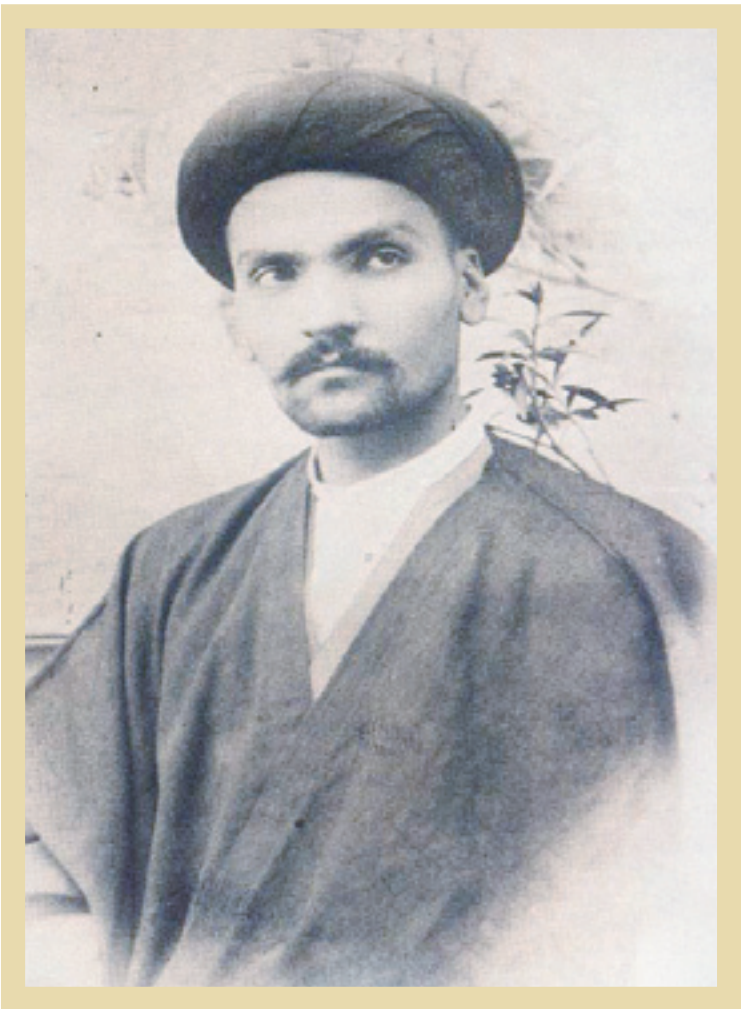


سیروس فیضی

علیه رژیم مطرح بود. دوره نخست‌وزیری منصور نیز به لحاظ سیاسی، دوره‌ای خاص و متمایز بود که در پی اوج گرفتن قدرت شاه پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و گذار وی از «سلطنت» به «حکومت» شکل می‌گرفت. شاه در این سال‌ها به دنبال کنار زدن زاهدی، (نخست‌وزیر کودتا)، و ترور «کندی» رئیس‌جمهور سال‌های ۶۴–۱۹۶۰ آمریکا که قدرت شاه را به‌شدت محدود کرده بود، چندان مخالفتی-چه در خارج و چه در داخل- در قدرت‌نمایی خود نمی‌دید و تا حدودی احساس استقلال می‌کرد. در واقع این توانایی شاه که مصادف با افزایش توان سرکوب نیروهای امنیتی رژیم بود، فعالیت‌های سیاسی را بر خلاف دوره رزم‌آرا به‌شدت، محدود کرد. پژوهش مورد معرفی، شامل سه فصل است. در فصل اول، ترور نخست‌وزیران مورد بحث در چارچوب بحث‌های نظری مورد بررسی قرار می‌گیرد. در این فصل، مقوله «مشروطیت» و تلاش می‌شود مشکلات رژیم پهلوی در این حوزه، بر اساس دیدگاه‌های مختلف مطرح، نقد و ارزیابی شود. در گفتاری دیگر از این فصل، مسئله رادیکالیزه شدن گروه‌های مذهبی مورد بحث قرار می‌گیرد. تعریف ترور، رویکردهای جامعه‌شناختی و فقهی آن و تفکر حاکم بر گروه‌های مذهبی در این ارتباط، از دیگر مسائل مورد بحث این فصل است.

فصل دوم به رزم‌آرا و مسائل مربوط به ترور وی اختصاص دارد. در این فصل، پس از بررسی دوران نظامی‌گری و سیاسی وی، به مهم‌ترین مسائل سیاسی داخلی و خارجی آن دوران پرداخته می‌شود. سیاست خارجی کشور در آن دوره، نفوذ نیروهای بیگانه، مسئله نفت، اهمیت سیاسی گروه رزم‌آرا و پیامدهای آن، از مهم‌ترین مسائل مورد بحث در این فصل خواهد بود. در فصل سوم که به منصور و مسائل مربوط به ترور وی اختصاص دارد نیز، مسأله مشابه فصل قبل مورد بحث قرار می‌گیرد. بررسی اوضاع و احوال سیاسی کشور، نفوذ کشورهای خارجی، اهمیت منطقه و ایران در این دوره از جنگ سرد، حضور نیروهای آمریکا در ایران و بالاخره، مسئله کاپیتولاسیون، از مهم‌ترین مباحثی است که در این فصل مورد بررسی قرار خواهد گرفت. داستان ترور منصور، اهمیت و پیامدهای آن، گفتارهای پایانی بحث این پژوهش را تشکیل می‌دهند.

در پایان فصل‌های دوم و سوم، گزارش‌هایی شامل مصاحبه، مذاکرات مجلس، گزارش دادستانی نظامی در مورد ترور و سخنرانی امام خمینی در مورد کاپیتولاسیون به صورت ضمیمه بحث ارائه می‌شود که علاوه بر جذابیت کردن کتاب، در تکمیل بحث پژوهش نیز مؤثر است.



سید حسن تقی‌زاده در دوران مشروطیت

واکاوی و تحلیل رساله سیاسی «تنقید فرقه اعتدالیون»

مانیفستی برای تندروی سیاسی

■ **فائزه‌سادات حسینی**

در پی فتح تهران و آغاز مشروطه دوم، صحنه سیاسی کشور مدت‌ها صحنه کشمکش دو جناح اعتدالی و تندرو در میان مشروطه‌خواهان بود. این نزاع در آغاز صیغه فکری و سیاسی داشت اما در ادامه به فراز نظامی نیز کشید. مقالی که هم‌اینک پیش روی شماست، به بازخوانی و تحلیل یکی از رسائلی می‌پردازد که دموکرات‌ها علیه اعتدالی‌ها تدوین کردند. امید آنکه تاریخ پژوهان و علاقه‌مندان را مغیوب و مقبول آید.

■ ■ ■

■ **فضای باز سیاسی پس از فتح تهران**

اندکی پس از فتح تهران به دست مشروطه‌خواهان، حکومت موقتی به نام «هیئت مدیره» پیروز اداره امور و نظارت بر دولت تشکیل شد که باید تا زمان استقرار مجلس شورای ملی دوم ادامه می‌یافت. این نهاد به سبب ترکیب ناهمگونی از محافظه‌کاران و تندروها در مسائلی همچون ماهیت حکومت مشروطه و چگونگی نوسازی مملکت نظارت متعاضی را ارائه می‌داد. عامل اصلی این ناموزونی به ماهیت اردوی شمال و جنوب بازمی‌گشت زیرا در دسته اول به رهبری محمدولی‌خان سپهدار و نیروهای گوناگونی همانند مجاهدان گیلانی، ارمنی‌های حزب هُنچاک و داشناسک، سوسیال دموکرات‌های قفقازی و اعضای فرقه اجتماعيون آميون بودند که پس از فتح پایتخت به گروه‌های مختلف سیاسی پیوستند. در اردوی جنوب نیز بختیاری‌ها با نگرش‌ی کلی به مشروطیت در پی کسب قدرت بودند و به ریاست علی‌قلی‌خان سردار اسعد وارد تهران شدند. از سویی دیگر سپهدار و سردار اسعد از زمینداران و خان‌های بزرگ ایران به شمار می‌رفتند و با عضویت‌شان در «هیئت مدیره» تأثیر منفی بر اداره ایران می‌گذاشتند. این عامل باعث جذب اشراف و اعیان قاجار، محافظه‌کاران و دیوان‌سالاران به آنان شد که ماحصل آن جز چیرگی این افراد در رأس حاکمیت مشروطه و احیای قدرت وابستگان نظام کهن نبود. ولیکن بسیاری از روشنفکران با بغای نقش‌ی پررنگ در انقلاب، خاستگاهی از طبقات متوسط داشتند و در برنامه‌شان اصلاحات و دگرگونی‌های عظیم ساختار اداری را گنجانند تا قدرت سیاسی حافظان نظام

بمادکرات‌ها دور از ذهن نبود.

پس از انتشار رساله رسول‌زاده در تهران، تغییراتی مثبت برای دموکرات‌ها و همچنین نویسنده حاصل شد که حسین پرویز، یکی از اعضای حزب دموکرات، در نامه‌ای به سید حسن تقی‌زاده می‌نویسد: «کتابی که هم در تنقید فرقه اعتدالیون آقای رسول‌زاده نوشته… خوب می‌خزند. در میان مردم بد اثر نکسره و اعتدالیون را به خشم آورده و بعضی‌ها می‌گویند شاید جوابی هم بنویسند ولی گمان ندارم…»

عاریخ

کفت و گو ۸۸۴۹۸۴۳۷

د

برخی از افراد جناح تندرو مجلس اول همچون تقی‌زاده، وحیدالملک شیبانی و سیدمحمدرضا شیرازی فرقه‌ای به‌نام «دموکرات ایران» تشکیل دادند که به جهت همکاری تعدادی از سوسیال دموکرات‌ها و انقلابیون قفقازی مانند حیدر خان عمواوغلو و محمدامین رسول‌زاده در تدوین مرانامه و سازماندهی فرقه، این گروه را دارای انسجام می‌نمود. دموکرات‌ها خواهان اصلاح ساختار دولت، تمرکز در کشور، تعدیل روابط ارباب و رعیت و تقسیم زمین بین رعا یا بودند

■ **محتوای رساله سیاسی تندروها**

«تنقید فرقه اعتدالیون» به دو بخش اصلی تقسیم می‌شود؛ اول به سبب استفاده عنوان اجتماعيون (سوسیالیست) در کنار نام فرقه اعتدالیون، به توضیح سیر تاریخی پیدایش سوسیالیسم در اروپا و تأسیس آن می‌پردازد که بر این پایه، سه حوزه را تشریح می‌کند: (۱) مالکیت خصوصی (۲) قانون تکامل و ترقیات مدنی (۳) معرفی پارتی سوسیالیسم در اروپا که هدف وی از طرح این مسائل وصف تکامل و ترقی انسان در طول تاریخ است که تنها با جدال مسئله مالکیت بسط یافته و منجر به تأسیس یک حاکمیت می‌شود. این حکومت دارای یک پادشاه و طبقه‌ای از اشراف و اعیان وابسته به اوست که دارای تمام امتیازات قادی و معنوی هستند؛ پادشاه و دوستان و این عامل سبب تقسیم جامعه به دو قشر دارا و ندار می‌شود اما رسول‌زاده با ایمان به چرخه تکامل در تاریخ این امر را ضروری می‌داند. این عجز خود را ذاتا به‌واسطه انقلاب و حذف «طبقات ممتاز» می‌باشد و این را تنها شرط ترقی یک ملت اعلام می‌کند، چنان که می‌نویسد: «ترقیات دنیا توقف‌پذیر نیست و قانون تکامل دارای اهنیتی است…، صنوف و طبقات ممتازه که در سایه ترقیات طبیعی قانون تکامل شریک اقتدارات تامه حکم‌دار شده‌اند مجبور می‌شوند که رفته رفته در این حقوق شراکت دیگران را نیز منحمل و بی‌حقوق گردانند…» با این پیش‌بینی که تجربه‌های زیاد دیده و حس کرده‌اند. تاریخ امم و گزارش‌های تکامل ملل متعنده عالم ما را در این ادعای خود دلیل واضح می‌باشد. تمام دول مشروطه و جمهوری امروزه اروپا که حالیه هر یکی به اندازه‌ای و به قسمی شکل حکومت ملی را دارند این اقتدار را از جنگال طبقات ممتازه به خون‌ریزی مدهش صاحب گردیده‌اند. بلی قانون تکامل قوی‌ترین قوای کائنات است، بر حسب اقتضای آن چرخ تاریخ با یک ترتیب معین لاتغیری می‌[گردد] و هیچ قوه‌ای نمی‌تواند که آن را از حرکت خود بازدارد…» با این مقدمه، او حاکمیت و جامعه ایران را پادشاهی و طبقاتی معرفی می‌دارد که حال دچار انقلاب شده و توانسته نظام سلطنت مطلقه را تبدیل به مشروطیت کند ولیکن در برخورد با اشراف و زمینداران وابسته به پادشاهی موفقیت چشمگیری نداشته و در نتیجه



محمدامین رسول‌زاده در کنار همسر در دوران کهنشالی

ایران جهت تحقق ترقی می‌بایست تمام امتیازات و منافع این طبقه را نابود سازد. این برخورد سخت، به منظور عدم تخصیص جایگاه ویژه به اعیان و خان‌ها در نظام جدید بود. بنابراین مشروطه‌خواهان تصمیمی برای حفظ حاکمیت نوین و آرمان‌هایش اخذ نمودند و آن چیزی جز ایستادگی در برابر «اعیانیت و ممتازیت» در قالب یک گروه سیاسی نبود. اشراف نیز واکنشی با ساختار «یک پارتی محافظه‌کاری» از خود نشان دادند تا «مقاصد استبداد‌پیشان» را در حکومت ترویج دهند و این هیئت همان اعتدالیون بود. در حقیقت، این عبارات رسول‌زاده واقعیت اجتماع حافظان نظام قدیم در یک حزب، ترغیب به مبارزه آشکار با آنان و سیر خط ترقی در فضای سیاسی ایران نمایان می‌نمود اما تمام این موارد در فرقه دموکرات جمع می‌شد چرا که این حزب مشی خود را «تکامل» و ماهیتش را اصلاح ساختار دولت می‌دانست که به معنای جدال با اعتدالیون سنتی بود. «تکامل» که نقطه ثقل این منازعه به شمار می‌رفت یادآور تئوری گنورکی پلخاف بود که استخوان‌بندی نظرات مارکس را داشت. بدین تفسیر که حرکت جهان مادی است و هیچ قدرتی تاب برآبری با آن را ندارد، به عبارت دیگر، جبر تاریخی وجود دارد که نظام‌های مطلق تبدیل به مشروطیت و با جمهوری می‌شوند تا سرمایه‌داری بر آنان تسلط یابد و سپس با ایجاد شکاف‌های اقتصادی گسترده راه برای ورود سوسیالیسم به جوامع می‌گشاید. این قاعده در

نگرش دموکرات‌ها و رسول‌زاده برای جامعه عصر قاجار دست‌یافتنی بود بدین ترتیب که با وجود تغییر حاکمیت به مشروطه نیاز مبرم به سرنگونی سیستم ارباب-رعیتی وجود دارد تا شمعارها و آرمان‌های دموکراتیک در جامعه گسترش یابد و سرمایه بسیار جهت تأسیس کارخانه‌ها وارد ایران شود. بدین شکل طبقه کارگر نیز شکل می‌گیرد و امواج اقتصادی تشدید می‌یابد سپس نوبت به سوسیالیسم می‌رسد. بنابراین «تکامل» نزد حزب دموکرات دارای چنین جایگاهی بود که در نقطه مقابل منافع اعیان و زمینداران با اعتدالیون حرکت می‌کرد زیرا آنان از پشتیبانی خان‌هایی همانند سپهدار برخوردار بودند که تمایل چندانی به این تغییرات نداشتند. رسول‌زاده با علم بر این

چالش اقدام به معرفی تئوری کارل مارکس، احزاب کشرش واتیو (محافظه‌کار) و سوسیالیست (سوسیالیست) در اروپا پرداخت تا هم عنوان «اجتماعيون اعتدالیون» را پدیده‌ای بدیع از سوی گروه رقیب معرفی کند و از سویی ماهیت آن را آشکار کند. البته کشرش گروه‌های سوسیالیست اروپا در روزنامه ایران‌نو وجود داشت و هدف آن مبارزه با اعتدالیون و نابودی طبقه اشراف و اربابی توسط قشر بخش بود. بنابراین مرحله مبارزه طبقاتی در پیش اول رساله رسول‌زاده به‌صورت کنونی بررسی شد و حال در قسمت دوم به تاکتیک آن بر اساس سه مسئله اصلی سوسیالیسم یعنی مساوات، پارلمانتاریزم و دموکراسی می‌پرداخت. حقوقی است و در حقوق هم تعام‌ابنای ایران بدون فرق نژاد و مذهب شریکند.» این به معنای ارتباط موضوع حاکمیت با ملت فارغ از قومیت و آیین بود. از سویی، این مسئله سبب بحران در امور مملکتداری و عدم مشارکت سیاسی اقلیت‌هایی همچون یهودیان و مسیحیان در سرنوشت ایران می‌شد. بدیهی بود که این مسئله با مساوات مغایرت داشت و رسول‌زاده پیشنهاد اتحاد بین اربابان و اقوام ایران را جهت تبیین قضایا بین آنان، بیان کرد. از سویی دیگر اعتدالیون آرای سیاسی مردم را یکسان می‌پنداشتند و این برای رسول‌زاده «تمام ملت را به یک پارتی متحد منقلب آگردن [» بود در صورتی که نظرات متنوع، نمایش دموکراسی و مجلسی آزاد به شمار می‌رفت. این موضوع، عاملی هم برای پیدایش احزاب گوناگونی می‌شد تا اهداف و برنامه‌هایشان را در پارلمان به بحث و گفتوگو بیزند و از آن برای حل مسائل ایران استفاده کنند: «هرهم شوری بینهم از نوامیس قران عظیم‌الشأن است اگر اختلاف آرا نمی‌شد شورا برای چه بود؟ آیا کسی شورا می‌سراغ دارد که در تمام موارد مووعه و اتفاقات ممکنه اتفاق را ی حاصل نماید؟ آیا هیچ مرانامه پارتی سیاسی می‌تواند که یک ملت مختلف‌الصف و الطبقه را متحد و متفق کند؟» سرانجام نادیده انگاشتن این سه مسئله برای رسول‌زاده به معنای حذف اهداف دموکراتیک

و رشد یک جامعه پویا در حکومت مشروطه بود که نقضی اساسی در مسلک اعتدالیون به شمار می‌رفت. در پایان رساله، او بدین نتیجه می‌رسد که مرانامه اعتدالیون بیشتر حالتی تقلیدمانداز «اجتماعيون عاميون» را داشت تا «عده خودشان را ولو اسما هم باشد زیاد کنند و به سواد خود، رقبای سیاسی‌اشان آ را بترسانند…» و در واقع حضور آنان در عرصه سیاسی و منازعه‌شان با دموکرات‌ها، کسب کرسی بیشتر در سکانداری ایران بود. از این رو، رسول‌زاده آینده آنان را بلند و پیشرفت‌گرا نمی‌پنداشت و یقین داشت که «دوام پارتی اجتماعيون- اعتدالیون به این شکل حالیه‌اش قابل قبول آ نیست و حکما محکوم به تجزیه و تقسیم است.»

■ **بازتاب‌های انتشار یک رساله سیاسی**

پس از انتشار رساله رسول‌زاده در تهران، تغییراتی مثبت برای دموکرات‌ها و همچنین نویسنده حاصل شد که حسین پرویز، یکی از اعضای حزب

جوان

دموکرات، در نامه‌ای به حسن تقی‌زاده می‌نویسد: «کتابی هم که در تنقید فرقه اعتدالیون آقای رسول‌زاده نوشته… خوب می‌خزند. در میان مردم بد اثر نکرده و اعتدالیون را به خشم آورده و بعضی‌ها می‌گویند شاید جوابی هم بنویسند ولی گمان ندارم…» ولیکن در هر صورت، این جزوه سیاسی ماهیت سبک رقیب خود را در نظر مردم آشکار نمود و تنش را ایجاد کرد که دموکرات‌ها با انسجام و ترویج اهداف دل‌فرب دموکراتیک از یک طرف و کوشش طبقه متمول در قالب حزبی به نام اعتدالیون از سویی دیگر، پایان مشروطه و ورود بیگانگان به کشور را رقم زنند.

■ **پی‌نوشت‌ها:**

- محمدولی‌خان سپهدار، علی‌قلی‌خان سردار اسعد، مرتضی‌سنبغ‌الدوله، حسن وثوق‌الدوله، سیدحسن تقی‌زاده، ابراهیم حکیم‌الملک و علی‌محمد تربیت و… بود.
- سهراب یزدانی، مجاهدان مشروطه، تهران، نشر نی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۱۹۰
- لایحه‌ای از سیاستمداران جدید همچون وثوق‌الدوله، احمد قوام‌السلطنه و صادقی مستشارالدوله
- ایران، نو، ش ۱۸۰۱، ذی‌الحجه ۱۳۲۷، ص ۱
- «مرانامه فرقه سیاسی دموکرات ایران» در کتاب مرانامه‌ها و نظامنامه‌های احزاب سیاسی ایران در دومین مجلس شورای ملی، به کوشش منصوره اتحادیه، تهران، نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۱، صص ۸-۳.
- «دستور مشروح مسelکی یا مرانامه حزب اجتماعيون اعتدالیون»، همان، صص ۱۲۰-۹۳
- محمدامین رسول‌زاده، «تنقید فرقه اعتدالیون یا اجتماعيون اعتدالیون»، تهران، مطبعه فاروس، ۱۳۲۸ ق، همان، صص ۸۳-۶۰.
- همان، صص ۶۱-۶۳
- همان، ص ۶۳
- روزنامه ایران‌نو، ش ۶۵، ۲۹ شوال ۱۳۲۷، ص ۱
- همان، ص ۶۵
- همان جا
- همان، ش ۱۹۴، ۲۲ ربیع‌الثانی ۱۳۲۸، صص ۲ و ۳
- Georgi Plekhanov، الهام‌بخش نخستین گروه مارکسیست‌های روس و آغازگر سوسیالیسم در ایران، روسیه که آثار و نوشته‌هایش موجب پرورش چند نسل مارکسیست در روسیه همچون لنین شد، جهت اطلاعات بیشتر به کتاب ذیل مراجعه نمایید:
- «برنامه حزب سوسیال دموکرات ایران» روسیه، آگوست ۱۹۰۳، در پایان‌نامه «حزب همت از آغاز تا تاج‌ها» (۱۹۲۰-۱۹۰۴)، محمد رافعی، کارشناسی ارشد تاریخ مطالعات قفقاز، دانشگاه تهران، صص ۲۱۰-۲۰۸.
- فریدون آمیت، فکر دموکراسی اجتماعی در نهضت مشروطیت ایران، تهران، پیام، ۱۳۵۲
- این موضوع در گزارش‌های رسول‌زاده از ایران هنگام پیروزی مشروطیت و عصر استبداد صغیر در روزنامه‌های قفقازی ارشاد و ترقی مشاهده می‌شود (محمدامین رسول‌زاده، گزارش‌هایی از انقلاب مشروطه ایران، ترجمه رحیم رئیس‌نیاز، تهران، شیرازه، ۱۳۷۷). البته هم‌چنان که در یکی از شماره‌ها تشریح کرد: «هم‌چنان که در کائنات خود می‌باشد، در احتیاجات عامه یک تناسب خیلی جدی موجود است، وقتی که یک کشفی واقع می‌شود و با یک اختراع به عمل می‌آید، می‌بیند که همان اختراع به نفع بعضی افکار تازه حتی لغات جدید می‌شود. مثلاً با تأسیس راه‌آهن خیلی افکار و اقوال تغییر می‌یابد، چاروادارها قاطرهای خودشان را فروخته، مثلاً در کارخانه‌های راه‌آهن می‌روند عمامه می‌فروشند و در آن جا برخلاف معیشت // به کارگیری بعضی اصطلاحات تازه را یاد گرفته و بعضی افکار جدیدی را مانوس می‌شوند…» (روزنامه ایران، نو، ش ۲۰۷، جمادی‌الاول ۱۳۲۸، صص ۱-۲).
- قانون تکامل در اروپا بخشی از مسیر «مرکزیت سرمایه و پرولتاری شدن هیئت اجتماعیه» را طی کرده بود و تبدیل به زمینه‌ای جهت افکار و آمال سوسیالیستی می‌شد که حال، در قالب گروه‌های سیاسی نوین شکل می‌گرفت (رسول‌زاده، ۱۳۲۸، صص ۷۴-۶۸-۲۰.
- روزنامه ایران‌نو، ش ۱۳۰۲۱، جمادی‌الاول ۱۳۲۸، صص ۲؛ و ش ۱۴۰، شعبان ۱۳۲۷، ص ۱؛ ش ۱۹۰۲۹، شعبان ۱۳۲۷، صص ۱ و ۲؛ و ش ۱۰۲، ذی‌الحجه ۱۳۲۷، صص ۲ و ۳
- «روزنامه حزب سوسیال دموکرات روسیه، اوت ۱۹۰۳، مندرج در پایان‌نامه «حزب‌همتا از آغاز تا انجام ۱۹۲۰-۱۹۰۴»، ۱۳۹۱، ص ۲۰۹.
- رسول‌زاده، ۱۳۲۸، صص ۷۷
- همان، صص ۷۸-۷۸
- همان، صص ۷۸-۲۴
- همان جا
- همان، صص ۸۰
- همان، صص ۸۲
- ۱۸ شوال ۱۳۲۸، سیدحسن تقی‌زاده، نامه‌های مشروطیت و مهاجرت، به کوشش ایرج افشار، تهران، نشر قطره، ۱۳۸۵، ص ۲۰۳